

جلسه عمومی مادران دبیرستان دوره اول دکتر گیلک - ۲۶ اسفند ۱۴۰۳

بنده چند نکته مقدماتی دارم و بعد یک جمع بندی انجام میدیم. فرمایش کردن دوستان که کارنامه فرزندانتون رو امروز دادن، این یعنی شما مواجه می شید با این کارنامه و می رسید خونه بچه رو می بینید بالاخره یک طوری باید به پدر خبر بدید. ببینید چند تا نکته داره این مواجهه که باید یک قدری این رو تمرین بکنیم. اگه یادتون باشه گفتیم که اوقات طلایی تو تربیت وجود داره که یکیش همینیه یعنی یکی از اوقات طلایی در ارتباط با بچه هامون یک وقتی مثل الان هستش که ایشون کار کرده، زحمت کشیده و تلاش کرده الان می خواد ببینه شما چطور برخورد می کنید با این تلاش، اینجاست که هنرمندی شما خیلی اهمیت داره. والدینی که بنا رو به این گذاشتن که از تلاش و سعی بچه هاشون تشکر کنن والدین موفق می شن یعنی والدینی که بچه رو به خاطر اون تلاشی که کرده و زحمتی که کشیده حالا هرچی بوده و هرچه شده اما تلاش کرده که به یک جایی و به یک نقطه ای برسه و یک نمره ای رو به دست بیاره تشویق می کنن تأثیر مثبتی دارن. خود این تلاش و خود این زحمتی که کشیده خیلی مهمه و بچه اگر احساس بکنه که شما وجود خودش رو دوست دارید به خاطر اون تلاشی که کرده نه به خاطر اون نمره ای که آورده احساس خیلی خوبی بهش دست میده.

من الان قدم می زدم از پارک اومدم کارنامه یکی از بچه ها تو پارک افتاده بود آوردم دادم یکی از همکاراتون تو همین فاصله نمراتش رو هم نگاه کردم ببینم وضعیتش چه شکلیه. شرایط نمراتش خوب نبود خب مثلاً والدین بیان ببینن که یازده شد بعد برگرد بگه تو رو می فرستم مدرسه که درس بخونی من همین شکلی هم برم یازده میشم تو مثلاً یک ترم تحصیلی رفتی یازده شدی. همین کافیه که هرچی ساختید بین خودتان و بچه تون همه رو فرو بریزید پس نوع مواجهه با بچه در این کارنامه ای که گرفته خیلی مهمه، اصلاً نگاهتون کنه ببینه ریخت و شمایل شما وقتی که وارد خونه میشید فرو ریختید یا آنقدر به قول ما یک اصطلاح هست میگه صورت هاتون اینقدر کش اومده و افتاده از نمراتی که گرفته اصلاً میتونه ببینه یا نه شما خوشحالی و میگی تلاشت رو کردی اما تو این تلاش یک جاهایی رعایت نکردی. بچه ها از امروز میرن تو تعطیلات و باید مدیریت خودشان رو یاد بگیرن و مدیریت زمان رو یاد بگیرن اگر بچه های ما یاد بگیرن خودشان رو مدیریت بکنن درس و زندگی و شغل و همه چیزشون به فنا میره. ما باید به گونه ای باهاشون رفتار بکنیم که یاد بگیرن خودشون رو مدیریت کنن تو لحظات مختلف و تو بحران ها و تو شکست ها و تو توفیق هایی که دارن. پس شد یکی تلاشی رو که بچه ها انجام دادن جدی بگیریم خب یازده شدی آیا به اون اندازه که می بایست تلاش می کردی تلاش کردی عزیزم و وقت گذاشتی؟ وقتی ببینه شما داری از یک منطقی استفاده می کنی که این منطق، منطق عقل سلیمه و تو وجود خودشم هست با شما ارتباط می گیره و حرف می زنه. عزیزم واقعاً برای این نمره وقت گذاشتی تلاش کردی یک موقع هست میگه نه اینقدر وقت نذاشتم یا کم گذاشتم یا گذاشتم نشد حتی می تونیم دلایلیش رو با هم بررسی بکنیم. یک برخورد و یک ارتباط خوب می تونه گام های بعدی ارتباط شما با بچه ها رو سامان بده. اگر اصلاً تلاش نکرده باشن که اون یک موضوع دیگه هست، خب این کارنامه دیگه الان کارنامه ای نیست که بتونیم بهش ببالیم و راجع بهش حرف بزنین چون



اصلاً کاری نکرده اون یک داستان دیگه است، حالا اگر برای این امتحانات اصلاً تلاش نکردی یک بحث و اصلاً برای درس تلاش نمی‌کنه و انگیزه ای نداره اونم یک بحث دیگه هست که باید بشینیم راجع بهش حرف بزیم که آیا اصلاً درس رو نمی‌خواد کلاً یا این امتحانات رو وقت نداشته به دلایلی. چرا این بچه اصلاً انگیزه نداره و درس نمی‌خونه می‌تونه به خاطر مدرسه باشه یا به خاطر معلم باشه یا بخاطر کتابشه یا تو خونه فشاری داره، جسمش فشار داره، روحش فشار داره، دوستاش فشار دارن بهش وارد میکنن. باید ببینیم کجای داستان ما می‌لنگه. این شکلی نیست که بتونیم یک نسخه ای بدیم برای این بنده خدا که بگیم همین الان مثلاً اصلاً تلاش نکرده دلایلی داره باید این فرد رو و دلایلش رو همه و همه بشینی با والدینش چک کنی ببینی کجای این قضیه ایراد داره یا چرا نمی‌خواد درس بخونه چرا اصلاً علاقه ای نداره به درس و ...

یک مواقعی هست که بچه از لحاظ تفکری داره دنبال یک چیزی می‌گرده و خودش یک برنامه‌ریزی ذهنی کرده که یک کاری بکنه یا دنبال یک هدفی افتاده می‌خواد اون رو دنبال کنه درس هم کنارش داره دنبال می‌کنه یعنی این رو نصفه و نیمه و هر طوری که هست به یک مقصدی داره می‌رسونه که به اون هدف که از لحاظ ذهنی پرورشش داده برسه. خب میشه باهاش نشست یعنی مشاورین یا هر کسی که کنارش هست بشینه باهاش گفتگو کنه، هم اون رو تقویت کنه هم این رو. یک موقعی میگه نه من این رو به همین صورت سرمنزل مقصود می‌رسونم شما نگران نباشید، من قراره قبول بشم دیگه من قبول میشم نمرات درسی رو هم می‌گیرم شما نگران این نباشید. وقتی که می‌بینید تلاشش به این اندازه است دیگه نمیشه زیاد دستکاری کرد باید همون حرکت بالینی که خدمتون عرض کردم این رو یک مشاور عاقلی یا یک روانشناس عاقلی باهاش بشینه گفتگو بکنه برای اون اهدافی که برای خودش طراحی کرده ببینه اون اهداف واقعاً چی هستن یا اون اهدافی که برای خودش طراحی کرده واقعاً داره تو اون مسیر میره و این درس هم بررسی کنه ببینه واقعاً داره بهش میرسه اگه داره میرسه دستکاریش نمی‌کنه. کمکش می‌کنه که مسیرش رو به راحتی طی بکنه. جای نگرانی نیست یعنی اصلاً جای نگرانی نداره میشه بهش کمک کرد که بهتر بشه خب پس یک قدری بچه هاتون باید مدیریت کردن خودشون اونم از شماها یاد بگیرن. من امروز همین بحث رو می‌خواستم از همین جا آغاز کنم، دقت بکنید آدمی متولد که میشه خب این مخلوق بی‌مشکله و اصلاً مشکلی نداره حالا بگذریم از مشکلات ارثی و جسمی که گاهی اوقات عارض میشه اما اون مشکلاتی که ما امروز داریم راجع بهش با هم گفتگو می‌کنیم که بچه اینا رو از اول نداره که مشکلات بچه زمانی رخ میده که بچه در فرآیند ارتباطش با والدین، با محیط زندگی، با محیط تربیتی و با محیط اجتماعی دچار مشکل میشه. بچه موقع تولد بر اساس فطرتش داره رشد می‌کنه داره بالا میاد اما گاهی اتفاقی می‌افته، این اتفاق اینا هستن که عرض می‌کنم توی خونه یا بچه طرد میشه یا تحقیر میشه یا محرومیت داره یا بهش بی‌توجهی میشه یا شکست می‌خوره یا سرکوب میشه یا منع میشه یا محبت افراطی میشه ببینید اینا هستن که فرآیند رشد طبیعی بچه رو خراب می‌کنن و بچه‌ها دچار مشکل میشن. ما باید آگاهی خودمون رو در مورد این مسائل بالا ببریم تا بتونیم تربیت درستی داشته باشیم. اگر ما به آگاهی خودمان اهمیت ندیم این می‌تونه هم به ما هم به بچه آسیب زیادی وارد کنه.

پایان مبحث جلسه عمومی مادران دبیرستان یک

دکتر گیلک ۱۴۰۳/۱۲/۲۶